

The Social Construction of Financial Accountability in Government and Parliament Discourses

Seyed Mojtaba Shafipoor*

Ghanbar Ali Rajabloo**, Kaveh Mehrani***

Abstract

Differences in the perceptions of various social groups, including parliamentarians, government officials, and elites from financial accountability, raise the question of what the meaning of financial accountability is or how it is understood. So, with a post-structuralist approach, we considered financial accountability as a social construct, and we get a better understanding of it from Norman Fairclough's theoretical knowledge of text analysis, and Laclau and Mouffe in the context of political discourse analysis. We analyzed the parliament's detailed negotiations on the adoption of the budget of the entire country in the deliberations of the government and the parliament and classified the research findings in the six political, economic and social paradigms of Iran after the revolution. The findings of the research, summarized briefly in this article, indicate the influence of power relations and the use of hegemonic elements in the discourse system formed in the discourses of the government and the parliament. Thus, in each paradigm, dominant discourses formed with context, and by highlighting themselves and marginalizing rival discourse, they succeeded in securing a temporary centralized sign and a new articulation of the semantic system of financial accountability.

Keywords: Social Construction, Financial Accountability, Government Discourse, Parliament Discourse

* Ph.D. Graduated in Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), Shafipoor@ut.ac.ir

** Associate Professor in Social Science, University of Alzahra, Tehran, Iran, Rajabloo@Alzahra.ac.ir

*** Associate Professor in Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran, Kmehrani@ut.ac.ir

Date received: 2020-12-26, Date of acceptance: 2021-05-06

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۰، ۲۰۵-۲۲۲

برساخت پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی^۱

سید مجتبی شفیعی پور*

قنبرعلی رجبلو**، کاوه مهرانی***

چکیده

برداشت متفاوت گروه‌های مختلف اجتماعی شامل نمایندگان مجلس، مسئولین دولت و نخبگان جامعه از پاسخگویی مالی، این سوال را به وجود می‌آورد که معنای پاسخگویی مالی چیست و چگونه معنا می‌شود. با رویکردی پساساختارگرایانه، پاسخگویی مالی را یک برساخت اجتماعی در نظر گرفتیم و برای فهمی بهتر از آن از دانش نظری نرمن فرکلاف برای تحلیل متن و ارنستو لاکلاو و شانتال موفه برای تحلیل گفتمان سیاسی بهره بردیم و متن مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی پیرامون تصویب لایحه بودجه کل کشور در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی را مورد تحلیل قرار دادیم و یافته‌های پژوهش را در شش پارادایم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب طبقه‌بندی نمودیم. یافته‌های تحقیق حاکی از تاثیر روابط قدرت و استفاده از عناصر هژمونیک شده در منظومه گفتمانی شکل گرفته در گفتمان‌های دولت و مجلس است. در هر پارادایم، گفتمان‌های مسلط با توجه به بافت زمینه‌ای و موقعیتی شکل گرفته و با برجسته نمودن خود و به حاشیه راندن گفتمان رقیب، موفق به تثبیت موقت دال مرکزی خود و مفصل‌بندی جدیدی از نظام معنایی برساخت پاسخگویی مالی گردیدند.

* دکترای حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Shafipoor@ut.ac.ir

** دانشیار علوم اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، Rajabloo@Alzahra.ac.ir

*** دانشیار حسابداری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران، Kmehrani@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: برساخت‌گرایی اجتماعی، پاسخگویی مالی، گفتمان دولت، گفتمان مجلس شورای اسلامی

JEL: H83, M48, H61

۱. مقدمه

پس از انقلاب اسلامی در ایران و تغییر نظام سیاسی مشروطه شاهنشاهی به نظام سیاسی جمهوری اسلامی، همواره این موضوع از سوی نخبگان سیاسی و دانشگاهی کشور مطرح بوده است که الگوی نظام سیاسی جدید در عرصه‌هایی مانند سیاست، اقتصاد، حقوق، اجتماعی و مدیریت چگونه باید باشد. آن گونه که در تاریخ مشخص است، بحث‌های بی‌پایانی در این زمینه‌ها مطرح بوده و در هر مقطعی از تاریخ، جنبه‌های مختلفی از این الگوهای متعدد در زمینه‌های گوناگون به کار گرفته شده‌اند. پاسخگویی مالی به عنوان یکی از مسائل مهم و پرچالش دولت‌ها و مجالس از این امر مستثنی نبوده و در هر عصری برداشتی متفاوت از آن ارائه می‌گردد. این موضوع به واسطه انتقادهایی که در خصوص نحوه یا وضعیت پاسخگویی دولت‌ها به مجالس، توسط مسولان نظام، نخبگان دانشگاهی و نمایندگان افکار عمومی در جراید و رسانه‌های عمومی مطرح می‌نمایند، به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین برای فهم بهتر از پاسخگویی مالی در ادبیات سیاسی ایران پس از انقلاب و تطبیق آن با ادبیات موجود در زمینه پاسخگویی مالی، این ضرورت وجود دارد که به بررسی پاسخگویی مالی در ادبیات سیاسی ایران پردازیم. در خصوص پاسخگویی مالی تحقیقات زیادی تاکنون انجام شده است که در اغلب موارد به دنبال یافتن بهترین شیوه برای پاسخگویی مالی و یا مقایسه وضعیت فعلی با گذشته و یا تطبیق مدل‌های متفاوت با یکدیگر بودند.

به صورت کلی، عمده تحقیقاتی که در زمینه پاسخگویی مالی انجام شده، منطبق با جهان بینی بوده است که واقعیت از پیش موجود را برای پدیده‌ها می‌پذیرد و قائل به عینی بودن پدیده‌ها و ساختار یافتگی آنها بودند که تحت عنوان هستی‌شناسی اثبات‌گرایی شناخته می‌شوند. اما به طور خاص در ادبیات علوم انسانی، هستی‌شناسی به اثبات‌گرایی ختم نمی‌شود و دیدگاه‌هایی دیگری همچون تفسیرگرایی و انتقادگرایی را نیز شامل می‌شود. تحقیقات مبتنی بر اثبات‌گرایی به دنبال کشف، توضیح و پیش‌بینی پدیده‌ها برای کشف الگو و ساختار آنها برای انجام بهتر امور هستند. اما به دلیل مشاهدات متفاوت و عدم

توانایی در توضیح همه پدیده‌ها، دیدگاه‌های دیگر نیز در هستی‌شناسی تقویت شده‌اند. با در نظر گرفتن تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در خصوص پاسخگویی مالی و شرایط زمانی و مکانی متفاوت، در این تحقیق با نگاهی متفاوت و برای اولین بار در تحقیقات حسابداری، با نگاهی انتقادی به تحلیل پاسخگویی مالی در بستر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران خواهیم پرداخت.

برای انجام تحلیل فوق، می‌بایست به متون به جا مانده از هر بستر تاریخی در ارتباط با پاسخگویی مالی مراجعه نمود. این متون هستند که نشان خواهند داد، پاسخگویی مالی چه بوده است. بنابراین، برای حل این مسائل پس از تحقیق فراوان بر روی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مرتبط با مسئله این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که هستی‌شناسی انتقادی، معرفت‌شناسی پساساختارگرایی و روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی مناسب‌ترین و بهترین شیوه برای مراجعه به متون گذشته و بررسی پاسخگویی مالی در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران بعد از انقلاب است. این رویکرد، پدیده‌ها را به صورت برساخت‌گفتمانی می‌نگرد. کنشگران اجتماعی در بستری از شرایط زمانی و مکانی با کنش و برهم کنش اجتماعی فهمی مشترک از یک پدیده بر می‌سازند که این فهم ممکن است در شرایط زمانی و مکانی دیگر متفاوت باشد. این استدلال با آنچه که پیشتر در خصوص پاسخگویی مالی بیان داشتیم هماهنگی بیشتری دارد و تحلیل پاسخگویی مالی را به عنوان برساخت اجتماعی امکان‌پذیر می‌سازد. بر این اساس، برای تحلیل برساخت پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی که در صحن علنی مجلس شورای اسلامی و پیرامون تصویب بودجه کل کشور، به بررسی و تحلیل کنش‌های اجتماعی و گفتمانی نمایندگان دولت و مجلس در پارادایم‌های مختلف پس از انقلاب خواهیم پرداخت.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

واژه برساخت (ساخت اجتماعی از واقعیت) ریشه در فلسفه علوم اجتماعی دارد و تغییر و تکامل یک پدیده را وابسته به زمینه اجتماعی آن، بررسی می‌نماید. به معنای بهتر، این نظریه در خصوص جامعه‌شناسی و تئوری ارتباطات است که به بررسی ایجاد مفاهیم مشترک که در جهان بر اساس مفروضات مشترک در مورد واقعیت ساخته می‌شود، می‌پردازد. این نظریه بر روی ایده‌هایی در مورد توجیه بشر به واسطه ایجاد الگوهایی از جهان

اجتماعی که ساخته شده، توسط زبان به اشتراک گذاشته شده و پالایش شده، متمرکز است. برساخت ایجاد شده به صورت گسترده در جامعه پذیرفته و طبیعی قلمداد می‌گردد که ممکن است نشان دهنده واقعیت مشترک خارج از آن جامعه نیز باشد یا نباشد و این برساخت مخلوق و ساخته آن جامعه است. تمرکز اصلی برساخت‌گرایی اجتماعی بر روی آشکار کردن راه‌هایی است که افراد یا گروه‌های مشارکت‌کننده در ساخت درک آنها از واقعیت اجتماعی مشارکت دارند. البته این موضوع به بررسی راه‌هایی که پدیده اجتماعی در قالب عادت انسان‌ها ساخته، نهادینه و شناخته می‌شود، گره خورده است. اکثریت برساخت‌گرایان اجتماعی بر این عقیده هستند که زبان منعکس‌کننده واقعیت نیست بلکه سازنده آن است. به عبارت بهتر، زمانی که انسان‌ها با هم سخن می‌گویند، جهان برساخته می‌شود. (شیرت، ۱۳۸۷)

بنابراین می‌توان این‌گونه بیان نمود که جهان اجتماعی ذاتاً بی‌شکل و بی‌معنی است و به وسیله‌گفتمان‌های مسلط هر عصری، معنا و شکلی خاص می‌گیرد و محدود و محصور می‌شود. شکل‌گیری دانش ناشی از صورت‌بندی معرفت‌شناسی ساختارهای است که در پس‌اندیشه‌ها و کردارها نهفته است که در هر عصری مسلط می‌شود. گفتمان مسلط عبارت است از گفتمانی که در جهت تثبیت دال‌های خود در مناسبات اجتماعی قدم بر می‌دارد. گفتمان با استفاده از ابزارهای قدرت به دنبال تثبیت معانی است. ریشه مفهوم گفتمان در ادبیات یونان به معنای حرکت سریع در جهات مختلف است و یا به معنای تجلی زبان در گفتار و نوشتار است. کلمات و مفاهیم که اجزای تشکیل‌دهنده ساختار زبان هستند، متغیر و ناپایدار بوده و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، ارتباط آنها دگرگون شده و معانی متفاوتی را نسبت می‌دهند. ارتباط میان افراد، محدود به رابطه کلامی نبوده و علائم، نشانه‌ها و کنایه‌های غیرکلامی نیز در این ارتباطات موثر هستند. (سرای، فتحی، & زارع، ۱۳۸۷) و (عضدانلو، ۱۳۸۰).

پاسخگویی می‌تواند به عنوان معنایی اصلی در فهم کنش اجتماعی نگریسته شود. در تحقیقات آلفرد شولتز (۱۹۷۱/۱۹۵۳) و گارفینکل (۱۹۸۸/۱۹۶۷) و ساکس (۱۹۶۷/۱۹۶۶) و سیکورال (۱۹۷۴) و بیتر (۱۹۶۵) و سیلورمن و جونز (۱۹۷۷) و بودا (۱۹۹۴) چنین فرض شده که پاسخگویی محور اصلی تعاملات اجتماعی است و کنشگران که اعضا نام داشتند، جهان اطراف خود را از طریق حسابداری برای آنچه در تصور یا واقعیت پیش روی سایر مردم انجام می‌دهند که تحت عنوان حسابرس خدمت می‌کنند، قابل گزارش می‌سازند.

حسابداری به دنبال نشان دادن عقلانیتی است که در اقدام یا کنش شخص اتفاق افتاده است و در نتیجه صلاحیت شخص را تایید نماید. به عبارت بهتر، این قدرت است که از طریق حسابداری به اقدام شخص برچسب عقلایی می‌زند و آن را تایید می‌نماید. بنابراین جهان را می‌سازیم و تایید می‌کنیم. به عقیده اسکات و لیمن (۱۹۶۸) پاسخگویی زمانی رخ می‌دهد که شخصی به شخص دیگر نیاز داشته باشد تا کاری برای او انجام دهد زیرا هرگز این سوال را از خود نمی‌پرسد که چرا باید چنین کاری را انجام بدهد و این ناشی از ترسی واقعی در خصوص شکسته شدن بافت اجتماعی و فرو ریختن هنجارها است. اینکه چرا والدین با فرزندان خود در خانه زندگی می‌کنند، هرگز پرسیده نمی‌شود، زیرا در فرهنگ ما و از طریق زبان ما حل شده است و دیگر سوال نیست. طبق ایده مک ایتیره (۱۹۸۸) بسیاری از ساختارهای اجتماعی هر فرهنگی به گونه‌ای هنجار شده است که قابل پرسش نیست. بنابراین پرسیدن و یا پاسخ دادن زمانی رخ می‌دهد که خلاف هنجارها و ساختار اتفاقی روی دهد و زمانی این پاسخ‌ها قابل قبول هستند که با هنجارها و ساختارهای قابل قبول منطبق باشند و تایید شوند. این موضوع در تحقیقات لینچ و بوگن (۱۹۹۴) و لاتور (۱۹۹۴) نیز بیان شده است. به عقیده مری داگلاس (۱۹۹۲) پاسخگویی سنگ بنای نهادهای مدرن است و با مدل قانونی مسلط انسان‌ها منطبق است. افراد باید قادر به پاسخگویی برای خود در جامعه و در دادگاه انسانی باشند و هم قادر به پاسخگویی در روز قیامت باشند. طبق نظر مارچ و اولسن (۱۹۸۹) دو نوع قاعده متفاوت در خصوص پاسخگویی وجود دارد. اولی قاعده مناسب بودن و دومی قاعده توجیه پذیر بودن است. قاعده مناسب بودن، توافقی کوتاه مدت و وابسته به مکان و زمان است، در حالیکه توجیه پذیر بودن توافقی فراگیر و بلندمدت و با حداقل استثنائات در برخی شرایط است. قاعده توجیه پذیری به دنبال انطباق با عقلانیت است. زمانی که در پاسخگویی از قاعده توجیه پذیری استفاده می‌کنیم به جای آنکه در خصوص اقدامات عقلانی صحبت کنیم در خصوص پاسخ‌های عقلایی صحبت می‌کنیم. (Czarniawska-Joerges, 1996)

پاسخگویی در مقام تفسیری که قابل فهم باشد، بخشی از جنبه‌های زندگی و ویژگی متمایز فرآیند انسان بودن است. انسان بودن معادل تعامل داشتن با دیگران و دائم در حال حساب گرفتن از و حساب پس دادن به دیگران است. در موقعیت‌های گوناگون افراد نقش‌های متعدد و متفاوت را بر عهده می‌گیرند که ممکن است در مقام پاسخ‌خواه و در مقامی دیگر پاسخ‌دهنده باشند. در سازمان‌های اداری، مدیران و کارکنان بسته به مسئولیت

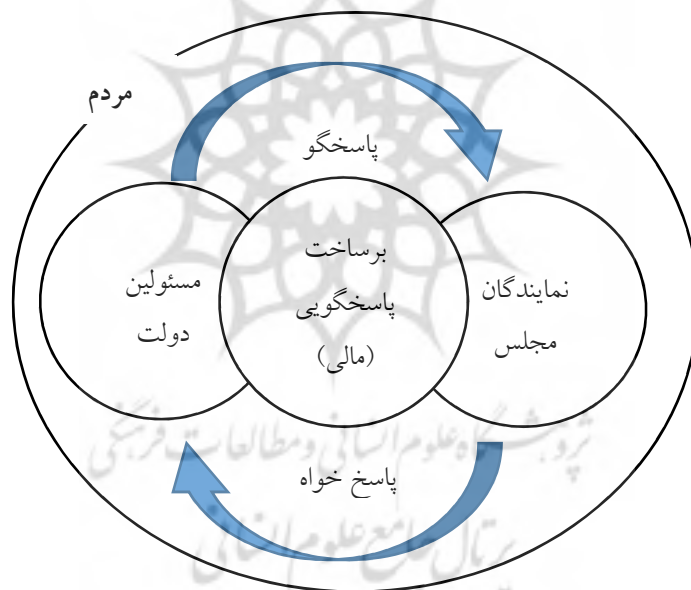
هایشان پاسخ گو هستند، کارکنان مکلف به حضور به موقع هستند و در صورتی که زمان سازمان را تلف کنند، از سوی مدیران مورد بازخواست و جریمه قرار می‌گیرند. در دانشگاه‌ها، دانشجویان مسئولیت‌هایی برای تحویل تکالیف در زمان مقرر بر عهده دارند و بر اساس اینکه پاداش و یا جرایی برای آن در نظر گرفته شده، اجباری هستند. به هر حال دامنه اقدامات انسان برای پاسخ گو بودن گسترده است و مطمئناً جریان‌های بیشتر و فزاینده از نهادهای رسمی مانند دانشگاه، کارخانه یا دولت در این حوزه وجود دارد و قابل تعریف هستند. (Willmott, 1996)

واژه پاسخگویی در طول زمان تکامل یافته و از حفاظت از دارایی‌ها به مدیریت و سپس به پاسخگویی در برابر اقدامات و نتایج تبدیل شده است. گروه‌های مخاطب پاسخگویی نیز تغییر کرده‌اند، و از پاسخگویی فردی در برابر پادشاه، به مسئولیت در برابر نمایندگان مردم و در حال حاضر علاوه بر آن، به پاسخگویی در برابر خود مردم رسیده است (پریمچاند، ۱۳۸۵).

نکته حائز اهمیت در سیر تاریخی پاسخگویی مالی در ایران، مربوط به تصویب متمم قانون اساسی مشروطه بود که طبق اصل ۱۰۱ و ۱۰۳ قانون مذکور دیوان محاسبات کشور موجودیت یافت و برای اولین بار قانون محاسبات عمومی کشور مورد تصویب قرار گرفت. قانونی که عمر چندانی نداشت و همزمان با منحل شدن مجلس، به تاریخ پیوست. پس از آن، با آغاز به کار مجلس جدید در قانون محاسبات عمومی کشور دچار تغییرات اساسی گردید که با اهداف و آرمان‌های قانون محاسبات عمومی اول فاصله چشم‌گیری داشت و در سنوات بعد نیز این فاصله کاهش نیافت. همان‌گونه که در تحقیق باباجانی (۱۳۷۱) به این موضوع اشاره شده است، تاریخ قانون محاسبات عمومی کشور در سیر تاریخی خود دچار تغییرات محسوسی شده است و قانون محاسبات عمومی اول که با الگو برداری از نظام‌های سیاسی کشورهای پیشرفته تنظیم گردیده بود، در نظام‌های دولتی و اداری ایران تاب‌ناورد و دچار عقب‌نشینی‌های گسترده‌ای شد. به واقع ساختار قدرت در ایران، همچنان بر پایه سلطنت و خدمت به شاه معنا می‌شد و هر قانونی که قدرت شاه را محدود می‌ساخت از دوام برخوردار نبود و دچار تغییرات عمده می‌شد و قانون تحت نفوذ و قدرت شاه بود. بنابراین، برخلاف اهداف و آرمان‌های مورد انتظار در دوران مشروطه اول، و به ویژه تحولات و اصلاحات صورت گرفته در نظام پاسخگویی مالی در ایران، تغییر چندانی در نظام پاسخگویی مالی ایران رخ نداد و پس از آن نیز، اهداف و

انتظارات پیش بینی شده در قانون محاسبات عمومی اول نیز محقق نگردید و با توجه به نتایج تحقیق باباجانی (۱۳۷۱) نیز در قانون‌های محاسبات عمومی متأخر نیز منعکس نگردید. (باباجانی ج. ۴، ۱۳۷۱) (باباجانی ۵، ۱۳۷۱) (باباجانی ۱، ۱۳۸۲) (باباجانی ۳، ۱۳۷۱) (باباجانی ۶، آذر، & معیری، ۱۳۹۲)

پاسخگویی واژه‌ای به شدت مبهم است. پاسخگویی بی ثبات و متغیر است (Day and Klein, 1987). در شیوه‌های حکومتی مدرن، این باور عمومی وجود دارد که شکل دموکراتیک دولت بر مبنای پاسخگویی به این صورت است که دولت در برابر مردم بابت مسئولیت‌هایی که بر عهده داشته است، باید پاسخگو باشد (Shah, 2011). تعاملات و روابط نمایندگان مجلس و مسئولین دولت در زمینه پاسخگویی (مالی) به عنوان جزئی از مردم، آغشته به قدرت است و فهم پاسخگویی (مالی) از آن طریق ممکن خواهد بود.



تعامل دولت و مجلس شورای اسلامی و پاسخگویی مالی

نهادهای اجتماعی همچون مجلس شورای اسلامی و دولت و یا کمیسیون‌های متعدد در مجلس و سایر نهادهای دولتی هر کدام به نوعی در تولید و بازتولید گفتمان پاسخگویی مالی می‌تواند موثر باشد. به طور ویژه صحن علنی مجلس شورای اسلامی و یا کمیسیون‌های تخصصی و نظارتی مجلس محیط بسیار مناسبی را برای تولید متون متنوع و متفاوت

برای بروز و ظهور گفتمان‌های مختلف در خصوص پاسخگویی مالی دولت به مجلس شورای اسلامی فراهم می‌آورد. از این رو، فرایند تولید گفتمان پاسخگویی مالی در دولت و مجلس شورای اسلامی را می‌توان ترسیم نمود:



برای شناسایی گفتمان پاسخگویی مالی می‌بایست رویدادی مرتبط با آن را که در گفتمان موجود جدید و تازه وارد است را شناسایی و نحوه مفصل بندی آن با گفتمان موجود را مورد بررسی قرار داد. در شرایطی که گزاره جدید به حوزه گفتمان موجود وارد می‌شود، اگر بدون تضاد تخصصی وارد حوزه گفتمان موجود شود و به تثبیت بیشتر معنای آن بیانجامد، طبیعتاً به بازتولید گفتمان موجود یاری رسانده و از سوی قدرت مسلط مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. در حالی که اگر این گزاره جدید با گفتمان موجود ناسازگاری داشته باشد و به دنبال ارائه مفصل بندی جدید در حوزه مورد بررسی باشد، نقاط ناسازگاری، نزاع و تضاد در عناصر گفتمانی پدید می‌آید که نقطه بسیاری مناسبی برای شناسایی و توصیف گفتمان‌های موجود در آن حوزه است. این ناسازگاری‌ها اگر بتواند در بازتولید گفتمان جدید اختلال ایجاد نماید و استحکام مفصل بندی گفتمان قدیم پیرامون دال مرکزی آن را تضعیف نماید، می‌تواند امید داشته باشد که با به حاشیه راندن گفتمان قدیم، مفصل بندی جدیدی پیرامون دال مرکزی خود ایجاد نماید که بر مبنای آن گفتمان جدید نیز پدید خواهد آمد. بنابراین، مدل نظری این تحقیق با توجه به رویکردی که در

زمینه بررسی پاسخگویی مالی در گفتمان دولت و مجلس شورای اسلامی دارد، توجه به رویداد و گزاره ای جدید در تضاد با گفتمان های موجود و مسلط است تا با استفاده از آن به شناسایی و توصیف گفتمان های مسلط و مقاومت در حوزه پاسخگویی مالی و در محیط سیاسی ایران پردازد.

۳. روش تحقیق

در این پژوهش از روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی نرمن فرکلاف و ارنستو لاکلائو و شانتال موفه به صورت ترکیبی استفاده خواهیم نمود. این دو رویکرد دارای ویژگی‌ها و خصایصی هستند که در تکمیل یکدیگر به فهم معنای موضوع تحقیق یاری می‌رسانند. بر این اساس، در مرحله اول از طریق تحلیل بافت موقعیتی و زمینه ای ذریع به تحلیل متن خواهیم پرداخت و در مرحله بعد از طریق تحلیل گفتمان سیاسی موجود در متن مورد نظر، معنای پاسخگویی مالی را مورد تحقیق قرار می‌دهیم. ذکر این نکته حائز اهمیت است که تحلیل متن به عنوان سطح خرد مورد تحلیل قرار می‌گیرد و تحلیل گفتمان سیاسی به عنوان سطح کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. سطوح خرد گفتمان در خدمت سطوح کلان گفتمان آن نهادی است که گفتمان در آن شکل می‌گیرد.

به عبارت بهتر، سطح خرد، به مثابه نخی عمل می‌کند که سایر سطوح را به عنوان دانه های متفاوت در یک ردیف منظم، به هم پیوند می‌دهد. سطح خرد مسلط، نمایشگر صورت بندی ایدئولوژیکی گفتمان آن نهاد سازنده گفتمان ها است. انتظام سطح خرد درون گفتمانی به صورت بندی و مرزبندی نهادها در سطح کلان گفتمانی می‌انجامد. نرمن فرکلاف، متن را نه تنها در قالب دال و مدلول و بافت متن، بلکه فراتر از آن و در قالب بافت های موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی مورد تحلیل قرار می‌دهد. در واقع رابطه تعاملی دو سویه میان متن و زمینه در آن لحظات پدید می‌آید که به طور مستمر محقق باید از متن به زمینه و از زمینه به متن رجوع نماید (رجبلو، ۱۳۸۵). در الگوی نظری نرمن فرکلاف، تحلیل گفتمان در سه مرحله انجام می‌گیرد و عبارتند از (۱) توصیف، (۲) تفسیر و (۳) تبیین، که روابط آنها با بافت زمینه ای و موقعیتی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

اگر پاسخگویی مالی را یکی از رویه های عملی (پراکتیس) اجتماعی در نظر بگیریم، بازنمایی اجتماعی و سیاسی این پراکتیس از طریق گفتمان ها انجام می‌شود. پاسخگویی

مالی شامل تصویرهایی در این معنا است که شبکه‌ای از پراکتیس‌های اجتماعی در قالب مفصل‌بندی‌های خاص، فعالیت‌ها، سوژه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. تحلیل برساخت پاسخگویی مالی مستلزم مفصل‌بندی عناصر متأثر از گفتمان‌های قبلی و تعیین روابط مفصل‌بندی میان گفتمان‌ها است. به منظور بررسی برساخت پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی، ادوار مختلف سیاسی و اجتماعی و رویدادهای تاریخی دوران پس از انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دادیم و با توجه به شرایط اجتماعی حاکم بر هر دوره و دوران پس از انقلاب اسلامی به تحلیل برخی از گفتگوهای رد و بدل شده در صحن علنی مجلس شورای اسلامی میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولین دولت جمهوری اسلامی پرداختیم تا از این طریق فهمی بهتر از معنای پاسخگویی مالی در ادوار مختلف پس از انقلاب اسلامی به دست آوریم.

باتوجه به بافت موقعیت و زمینه‌ای تشریح شده در هر پارادایم تاریخی ذکر شده در فوق و در نظر گرفتن متغیرها و شاخص‌های احصا شده از چهار بعد واقعیت، شناخت، معنا و زبان برساخت پاسخگویی، ابتدا تحلیل متن فرکلاف را با استفاده از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام پذیرفت و به عنوان نتیجه اولیه تحقیق، با استفاده از تحلیل برساخت امر سیاسی لاکلائو و موفه به نحوه تولید، عمل و تحول گفتمان‌هایی که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولین دولت جمهوری اسلامی شکل گرفته بودند، با استفاده از مفاهیم سیاسی همچون مفصل‌بندی، تخاصم، قدرت و هژمونی پرداختیم. نمونه مورد استفاده در این تحلیل، متون انتخاب شده مربوط به گفت و گو‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌باشد و باتوجه به دوره‌های زمانی انتخاب شده و در نظر گرفتن رویدادهای خاص در مورد پاسخگویی مالی، نمونه مورد نظر در بودجه سال‌های ۱۳۶۰ برای پارادایم آرمان‌گرایی، بودجه سال ۱۳۶۴ برای پارادایم دفاع مقدس، بودجه سال ۱۳۷۱ برای پارادایم سازندگی و توسعه اقتصادی، بودجه سال ۱۳۸۳ برای پارادایم توسعه سیاسی و اصلاحات، بودجه سال ۱۳۸۷ برای پارادایم عدالت و اصول‌گرایی و بودجه سال ۱۳۹۳ برای پارادایم اعتدال و تعامل گزینش شد. همچنین واحد تحلیل در این تحقیق، جمله، گزاره و پاراگراف‌های انتخاب شده از گفت و گو‌های صحن علنی مجلس شورای اسلامی است.

بر این اساس سوالات تحقیق به شرح زیر تدوین گردید:

۱. معنای برساخت پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی چیست و چگونه معنای آن تولید و به صورت موقت تثبیت می‌شود؟
۲. مفصل‌بندی نهایی گفتمانی پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی در قالب چه منظومه‌های ترتیب یافته‌اند؟
۳. برپایه گفتمان غالب نظام هژمونیک جمهوری اسلامی، گفتمان‌های دولت و مجلس در ادوار مختلف در باب پاسخگویی مالی، چگونه مفصل‌بندی شده‌اند؟

۴. یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه متن کامل مذاکرات صحن علنی مجلس شورای اسلامی برای تصویب لایحه بودجه هر سال، حداقل بالغ بر دویست صفحه می‌باشد، پس از مطالعه دقیق متون و بر اساس ارتباط واژگان و جملات مرتبط با پاسخگویی مالی در ادبیات حسابداری، به صورت منتخب یک یا چند پاراگراف از آنچه که در رابطه با پاسخگویی مالی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان دولت بیان شده است را عیناً استخراج و در بخش مرتبط با ابعاد و شاخص‌های اصلی و فرعی برساخت پاسخگویی مالی مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم. با توجه به تعاریفی که در قانون اساسی از اقتصاد و به طور خاص پاسخگویی مالی در نظام سیاسی ج.ا.ایران مشخص گردید، مسئولیت تهیه بودجه را به دولت و مسئولیت بررسی، تصویب و نظارت بر آن را به مجلس شورای اسلامی واگذار نموده است. اما با توجه به آنچه که در مورد برساخت معنایی پدیده‌های اجتماعی بیان نمودیم، این موضوع نباید مغفول بماند که در نظم گفتمانی و هژمونیک ج.ا.ایران همواره گفتمان‌های متفاوتی حضور داشته‌اند که معنایی متفاوت از گروه‌های دیگر به پاسخگویی مالی نسبت داده‌اند و فهم متفاوت از آن مطرح نموده‌اند.

۱.۴ دفاع مقدس (پارادایم آرمان‌گرایی)

وقوع جنگ میان دولت ایران و عراق، شاید از مهمترین رویدادهای تاریخ پس از انقلاب اسلامی ایران باشد که تجربه اقتصادی متفاوتی را برای کشور به همراه داشت. مشکلاتی همچون کاهش صادرات نفت و افزایش هزینه‌های دولت به دلیل طولانی شدن جنگ، کسری بودجه و تورم ناشی از آن را افزایش داد. در این دوران نزاع داخلی میان احزاب و

گروه های سیاسی، برکناری اولین رئیس جمهور، ترور دومین رئیس جمهور و سایر شخصیت های انقلاب از چالش های داخلی نظام بود. در بخش قانون گذاری و به ویژه در زمینه پاسخگویی مالی دولت به مجلس شورای اسلامی و مردم، قانون محاسبات عمومی و پس از رفت و آمدهای بسیار میان دولت و مجلس به تصویب نمایندگان دولت رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ گردید. در بخش نظامی نیز همکاری مشترک ارتش و سپاه موجب برقراری توازن و یا برتری نظامی ایران نسبت به عراق شده بود و رخدادهایی مانند آزادسازی خرمشهر، شکست حصر آبادان و برقراری امنیت در خطوط دریایی ایران برای صادرات نفت از مهمترین آنها است. استعفای جانشین رهبری، اختلاف نخست وزیر و رئیس جمهور، استعفای نخست وزیر از دیگر رخدادهای سیاسی دولت و مجلس شورای اسلامی است.

معنای پاسخگویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در مرداد ماه ۱۳۶۰ این گونه بر ساخته می شد که اگر بودجه کشور به شیوه ای که اسلام می گوید تأمین و مصرف گردد و در خدمت اسلام باشد، پاسخگویی مالی دولت محقق گردیده است.

۲.۴ توسعه اقتصادی (پارادایم سازندگی و توسعه اقتصادی)

سال های بعد از جنگ، با رویدادهای فراوانی همراه بود. رحلت امام خمینی (ره) بنیان گذار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، برگزاری همه پرسی اصلاح قانون اساسی کشور، تغییر شیوه اجرایی اداره امور کشور از پارلمانی به ریاستی، حذف نخست وزیر از قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری پیش از موعد به دلیل انتخاب رئیس جمهور وقت به عنوان رهبر انقلاب ایران، اتخاذ سیاست های اقتصادی درهای باز از سوی رئیس جمهور جدید، تصویب برنامه اول پنج ساله توسعه ایران در مجلس شورای اسلامی، افزایش صادرات نفت، رشد واردات، تلاش برای یکسان سازی نرخ ارز و همچنین افزایش تحریم های آمریکا علیه ایران، افزایش تورم و افزایش بدهی های خارجی دولت و رشد حجم نقدینگی و رشد جمعیت بخشی از مهمترین عناوین تحولات دوران توسعه اقتصادی کشور است. البته بخش بزرگی از این اصلاحات اقتصادی که با شعارهای ابتدای انقلاب متفاوت بود، به دلیل شرایط اقتصادی بعد از جنگ و لزوم بازسازی سریع کشور امری سیاسی قابل تلقی است.

معنای پاسخگویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۷۰ این گونه برساخته می‌شد که اگر بودجه کشور به شیوه‌ای که قانون محاسبات می‌گوید تأمین و مصرف گردد و در خدمت برنامه باشد شرایط اقتصادی و اصلاحات اقتصادی مورد نظر دولت محقق می‌گردد.

۳.۴ اصلاحات و توسعه (پارادایم اصلاحات و توسعه سیاسی)

شکست سیاست‌های توسعه اقتصادی به دلیل بروز تورم بالا و فاصله گرفتن از اهداف در نظر گرفته شده، عصری جدید در تاریخ ایران بعد از انقلاب به وجود آورد که استفاده از واژگانی همچون اصلاحات، برقراری آزادی‌های مدنی همچون آزادی مطبوعات، حق شهروندی، فضای باز سیاسی، رواج یافته بود و انتخابات مجلس ششم و دولت هفتم ظهور و بروز این گفتمان‌ها در جامعه آن زمان بود. کاهش قیمت نفت از مهمترین چالش‌های اقتصادی کشور در عصر توسعه سیاسی بعد از انقلاب است که بسیاری از سیاست‌های اقتصادی کشور را با چالش اساسی رو به رو ساخت. البته بهبود روابط خارجی با کشور های اروپایی قدری از این مشکلات را تخفیف داد، اما افزایش نزاع‌های سیاسی داخلی و دسته‌بندی گروه‌های انقلابی اسلام‌گرا به دو گروه اصلاح طلب و اصول‌گرا بهترین نمونه برای بیان شرایط و تحولات سیاسی آن زمان است. وقوع حملات تروریستی یازده سپتامبر، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، تحصن نمایندگان مجلس ششم، نامه به رهبری، رد صلاحیت‌های مرتبط با انتخابات مجلس هفتم، استعفای دسته جمعی نمایندگان مجلس ششم برخی از اتفاقات مهم دولت و مجلس آن زمان است.

معنای پاسخگویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۸۲ این گونه برساخته می‌شد که اگر بودجه کشور به شیوه‌ای که دموکراسی اسلام و اقتصاد جهانی مبتنی بر حکمرانی خوب و شفافیت صورت پذیرد پاسخگویی مالی محقق می‌گردد.

۴.۴ عدالت و توسعه (پارادایم اصول‌گرایی و عدالت)

پس از پایان مجلس ششم و شروع به کار مجلس هفتم، استفاده از واژگان و عباراتی همچون برقراری عدالت اجتماعی، توجه به محرومان، رسیدگی به اوضاع فرهنگی،

پیشگیری از تهاجم فرهنگی که از طریق برخی نمایندگان اقلیت در مجلس ششم نیز مطرح شده بود، رواج یافت و گفتمان عدالت و مهر ورزی را که از سمت نیروهای اصول‌گرا حمایت می‌شد، تقویت نمود. آغاز این مرحله از تاریخ تحولات ایران بعد از انقلاب، با پیچیده‌تر شدن پرونده هسته‌ای ایران و افزایش تحریم‌های مالی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا و همراهی کشورهای اروپایی و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران شرایط متفاوتی را رقم زد. افزایش قیمت جهانی نفت، تورم بالا، افزایش واردات، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و خارجی مورد اختلاف میان دولت و مجلس از عناوین مهم آن دوران است. هدفمندی یارانه‌های، سهمیه بندی بنزین، مسکن مهر، سفرهای استانی، رشد موسسات مالی و اعتباری، رشد حجم نقدینگی از رخدادهای مهم آن زمان است.

معنای پاسخگویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۸۶ این‌گونه برساخته می‌شد که پاسخگویی مالی به واسطه اختیارات و اجازه کلی مجلس به دولت محقق می‌گردد و با ساده‌سازی و تسهیل امور، سرعت در کارها بیشتر می‌شود و امکان نظارت و شفافیت هم بیشتر می‌شود.

۵.۴ اعتدال و توسعه (پارادایم اعتدال و تعامل)

بعد از برجسته شدن شعارهایی همچون عقلانیت و تدبیر، گفتمان جدید سیاسی کشور، اقدام به تولید قدرت در سمت اعتدال‌گرایانی نمود که به دلیل بحران‌های اقتصادی و سیاست‌های نابسامان خارجی، خود را از نیروهای اصول‌گرا و اصلاح‌طلب جدا نموده و صف بندی جدیدی از نیروهای سیاسی ایران را تشکیل داده بودند. از این رو با به حاشیه راندن نیروهایی که در گفتمان اعتدال نبودند، واژگان و عباراتی همچون تدبیر و امید، خرد ورزی، تحریم‌های ظالمانه، گفتگو با جهان همراه با تکریم و احترام و سر و سامان دادن به بخش اقتصادی کشور بر سر کار آمدند.

معنای پاسخگویی مالی در زمان تصویب بودجه کل کشور در اواخر سال ۱۳۹۲ این‌گونه برساخته می‌شد که قانون دال مرکزی و نقش محوری در بازتعریف پاسخگویی مالی داشت و از طریق پذیرش داوطلبانه محدودیت‌های قانونی مانند اسناد بالادستی با شفافیت و جامعیت کامل و طبق نظرات کارشناسی در زمینه پاسخگویی مالی و برای انضباط مالی و اطمینان جامعه پیشقدم هستند.

۵. نتیجه‌گیری

هدف از انجام این تحقیق، دست‌یابی به پاسخ‌سوالاتی بود که در ابتدا و بر اساس مسئله تحقیق تدوین گردید و در این قسمت و پس از انجام تحلیل و فهم نتایج حاصل از تحقیق به سوالات زیر پاسخ خواهیم داد.

- معنای برساخت پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی چیست و چگونه معنای آن تولید و به صورت موقت تثبیت می‌شود؟

معنای برساخت پاسخگویی مالی در قالب چهار شاخص واقعیت، شناخت، معنا و زبان قابل درک است که در گفتمان‌های دولت و مجلس، بر اساس مفصل‌بندی گفتمان مسلط از نظام معنایی پاسخگویی مالی مورد نظر خود، معنای آن را بر می‌سازد. همچنین گفتمان مسلط با استفاده از برجسته نمودن دال‌های خود و به حاشیه راندن دال‌های گفتمان‌های رقیب، نظام معنایی خود را به پاسخگویی مالی نسبت می‌دهد و موقتاً آنرا تثبیت می‌نماید. بنابراین در نزاع و تخاصم روابط قدرت، گفتمانی بر گفتمان‌های دیگر مسلط شده و مفصل‌بندی خود را تثبیت می‌نماید، اما این تثبیت دائمی نیست و در نزاع قدرت و تغییر مفصل‌بندی گفتمان مسلط معنای برساخت پاسخگویی مالی نیز تغییر می‌یابد. به عبارت بهتر، معنای برساخت پاسخگویی مالی همان چیزی که قدرت خواستار فهم ما از آن است.

- مفصل‌بندی نهایی گفتمانی پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی در قالب چه منظومه‌های ترتیب یافته‌اند؟

بر اساس رویدادها و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب و بررسی سرگذشت پاسخگویی مالی در ایران، منظومه‌های گفتمانی را می‌توان در قالب شش پارادایم و گفتمان‌های مرتبط با آنها بررسی نمود. پارادایم آرمان‌گرایی با منظومه گفتمانی متشکل از گفتمان‌های اسلام‌گرا و ملی‌گرا، پارادایم دفاع مقدس با منظومه گفتمانی متشکل از گفتمان‌های چپ‌اسلام‌گرا و راست‌اسلام‌گرا، پارادایم سازندگی با منظومه گفتمانی جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز، پارادایم اصلاحات با منظومه گفتمانی متشکل از اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، پارادایم عدالت با منظومه گفتمانی متشکل از ائتلاف آبادگران اسلامی و مستقلین و نهایتاً پارادایم اعتدال با منظومه گفتمانی متشکل از گفتمان اعتدال و گفتمان اصول‌گرایی. لذا مفصل‌بندی نهایی برساخت پاسخگویی مالی در منظومه گفتمانی ذیربط ترتیب یافته و معنا شده‌اند.

- برپایه گفتمان غالب نظام هژمونیک جمهوری اسلامی، گفتمان‌های دولت و مجلس در ادوار مختلف در باب پاسخگویی مالی، چگونه مفصل بندی شده‌اند؟

با شناسایی پارادایم‌های عمده و اصلی گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی طبقه بندی و تحلیل بر ساخت پاسخگویی مالی در بافت زمینه‌ای و موقعیتی هر پارادایم، نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که در پارادایم آرمان‌گرایی، مفصل بندی گفتمان مسلط از بر ساخت پاسخگویی مالی را بر مبنای نظام معنایی اسلام و احکام و هنجارهای اسلامی تثبیت نموده بود. در پارادایم دفاع مقدس به دلیل وقوع جنگ، مفصل بندی گفتمان مسلط بر مبنای اعتماد به دولت و مسئولان تثبیت گردیده بود و پس از پایان جنگ و در پارادایم سازندگی، مفصل بندی گفتمان مسلط تغییر یافت و نظام معنایی مبتنی بر محاسبات و حساب و کتاب دقیق را به عنوان معنای پاسخگویی مالی تثبیت نمود. در پارادایم اصلاحات، گفتمان مسلط با استفاده از نظام معنایی دموکراسی اسلامی (مردم‌سالاری دینی) توانست مفصل بندی معنای پاسخگویی مالی را بر اساس شفافیت تثبیت نماید و در گفتمان عدالت با معرفی نمودن گفتمان مسلط به عنوان گفتمان مردمی و با هدف باز توزیع عدالت اجتماعی در جامعه توانست مفصل بندی جدیدی از معنای بر ساخت پاسخگویی مالی بر مبنای اختیارات تثبیت نماید. اما در پارادایم اعتدال با طرد نظام معنایی گفتمان عدالت، مفصل بندی و نظام معنایی مبتنی بر قانون در بازتعریف بر ساخت پاسخگویی مالی تثبیت گردید و همچنان نزاع و تخاصم روابط قدرت برای برجسته نمودن و به حاشیه راندن در جریان است و هر گفتمان می‌کوشد تا مفصل بندی خود از معنای بر ساخت پاسخگویی مالی را تثبیت نماید.

بنابراین این گونه می‌توان دریافت که پاسخگویی مالی فهم شده در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی متفاوت از ادبیات دانشگاهی متداول در خصوص پاسخگویی مالی است. به این معنا که قواعد و خرده نظام‌های موجود در ادبیات مرسوم پاسخگویی مالی به ندرت در گفتمان‌های حاکم در منظومه گفتمانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی معنا شده است. در ادبیات مرسوم پاسخگویی مالی، بودجه مبنای پاسخگویی مالی است و دولت‌ها با ارائه بودجه حداقل‌های لازم برای آغاز فرآیند پاسخگویی را آغاز می‌نمایند و پس از آن نسبت به رویدادهای مالی ناشی از عملکرد خود به نمایندگان مردم و جامعه پاسخگو خواهند بود. با توجه به اینکه فرآیند پاسخگویی مالی تشریح شده در ادبیات حسابداری حاصل تقابل و تخاصم گفتمانی است که خارج از منظومه گفتمانی نظام

برساخت پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس ... (سید مجتبی شفیعی پور و دیگران) ۲۲۱

جمهوری اسلامی شکل گرفته است، شکل گیری این معنا برای برساخت پاسخگویی مالی در پارادایم‌های مختلف سیاسی با مقاومت مواجه بوده و به عنوان نظام معنایی تاکنون از سوی گفتمان‌های مسلط موفق به ایجاد مفصل بندی و تثبیت موقت نشده است.

پی‌نوشت

۱. برساخت پاسخگویی مالی در گفتمان‌های دولت و مجلس شورای اسلامی عنوان رساله دکتری است که در رشته حسابداری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با هدف توسعه تحقیقات بین رشته‌ای در حوزه‌های حسابداری و علوم اجتماعی تدوین شده است. در این رساله به تفصیل شاخص‌ها و ابعاد برساخت پاسخگویی مالی احصا و پس از آن متن مشروح مذاکرات صحن علنی مجلس شورای اسلامی پیرامون تصویب لایحه بودجه کل کشور در دوره‌های مختلف سیاسی مورد تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق به صورت خلاصه نتایج بدست آمده از رساله فوق ارائه گردیده است.

کتاب‌نامه

- باباجانی، ج. (۱۳۸۲). «تحلیل نظری پیرامون سیستم نظارت مالی کشور از منظر پاسخگویی مالی». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۰-۹۷.
- باباجانی، ج. (۱۳۷۱). «حسابداری دولتی در ایران»، یک بررسی تطبیقی. ماهنامه حسابداری، ۳۲-۴۳.
- باباجانی، ج. (۱۳۷۱). «سیر تطور حسابداری دولتی در ایران در چارچوب قانون محاسبات عمومی». حسابداری، ۶۷-۸۷.
- باباجانی، ج. (۱۳۷۱). «سیر تطور حسابداری دولتی در ایران؛ در چارچوب قانون محاسبات عمومی». ماهنامه حسابداری، ۶۷-۸۷.
- باباجانی، ج.، آذر، ع.، & معیری، م. (۱۳۹۲). «عوامل و محرک‌های تحول در نظام پاسخگویی مالی و عملیاتی بخش عمومی ایران». فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱-۳۷.
- پریم‌چاند، آ. (۱۳۸۵). «پاسخگویی مالی در بخش عمومی». (ا. خاکباز، & م. قاسمی، تدوین کنندگان) فصلنامه مجلس و پژوهش، ۵۱، ۳۳۳-۲۹۹.
- رجبلو، ق. (۱۳۸۵). «نقش، جایگاه، کارکرد و شیوه‌های بررسی متن فرمان مشروطیت باتوجه به شاخص‌های تحلیل گفتمان». فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ۴۵-۷۱.
- رضائی پناه، ا.، & سمیه، ش. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان سیاسی: اگر سیاسی به مثابه برساخت گفتمانی. تهران: انتشارات تیسرا.

- Czarniawska-Joerges, B. (1996). Changing Times and Accounts : Tale from an Organization Feild. In R. Munro, & J. Mouritsen, *Accountability Power, Ethos and The Technologies of Managing* (pp. 307-328). London: International Thomson Business Press.
- Hines, R. D. (1988). Financial Accountability : In *Communicating Reality, We Construct Reality*. *Accounting Organization and Society*, 251-261.
- Hines, R. D. (1989). The Sociopolitical Paradiam in Financial Accounting Research. *Accounting, Auditing & Accountability*, 52-76.
- Laughlin, R. I. (1996). Principals and Higher Principals : Accounting for Accountability in The Caring Professions. In R. Munro, & J. Mouritsen, *Accountability Power, Ethos and The Technologies of Managing* (pp. 225-244). London: International Thomson Business Press.
- Lawson, A., & Rakner, L. (2005). *Understanding Patterns of Accountability in TANZANIA*. Final Synthesis Report commissioned by the Governance Working Group of the Development Partners to Tanzania. Bergen: Chr. Michelsen Institute.
- Shah, H. (2011). Accountability : Has it been hollowed out in the modern state? *Journal of political studies*, 77-91.
- Sinclair, A. (1995). The Chameleon of Accountability : Forms and Discourses. *Accounting, Organizations and Society*, 20, 219-237.
- Uhr, J. (1993). *Redesigning Accountability : From Muddles to Map*. *The Australian Quarterly*, 1-16.
- Willmott, H. (1996). Thinking Accountability : Accounting for the Disciplined Production of self. In R. Munro, & J. Mouritsen, *Accountability Power, Ethos and The Technologies of Managing* (pp. 23-39). London: International Thomson Business Press.